

گابنامہ الکترونیکی ہدایت

شماره ۷

وحدت مسلمین رمز برون رفت

از

راہبرد جدید استکبار جهانی

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیہ در سازمان بسیج

آذر ماہ ۱۳۹۶

به نام خدا

وحدت در قرآن

دین مبین اسلام از نخستین روزهای بروز و ظهور خود، با رویکردی کاملاً اجتماعی و تمدنی همراه بوده است. این رویکرد هم در دوران سکونت پیامبر اسلام در مکه و در میان مشرکان و هم بعد از تشکیل حکومت در مدینه خود نمایی می کرد. چنین دینی و با چنین رویکردی، به مؤلفه قدرت و حفظ وحدت اهمیت زیادی می دهد. شهید مطهری در کتاب اسلام و مقتضیات زمان می نویسد: «اسلام دین نیرومندی است. خارجی ها هم این را قبول دارند. ویل دورانت گفته است هیچ دینی به اندازه اسلام پیروان خودش را به نیرومندی دعوت نکرده است. اسلام می گوید قوی باشید. اسلام از ضعف و ضعیف بدش می آید. اسلام به جامعه اسلامی دستور می دهد که در مقابل دشمن آنچه در استطاعت داری تهیه کن. از لحاظ غایت و هدف این دستور هم می گوید شما باید از لحاظ نیروی مادی طوری باشید که رعب شما در دل دشمنان نباشد» (اسلام و مقتضیات زمان ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۷) لذا قرآن کریم با تاکید بسیار بر دوری از تفرقه و نزاع، آن را موجب از بین رفتن قدرت و هیمنه و شوکت جامعه اسلامی می داند. از دیدگاه قرآن کریم برای زیستن باید قدرتمند بود و قدرتمند بودن نیاز به وحدت آحاد جامعه اسلامی دارد. دوری از وحدت و کوبیدن بر طبل اختلافات موجب می شود که نیروهای جامعه به جای تلاش در متحول نمودن جامعه، تمام توان خود را صرف اختلافات داخلی نمایند. و این همان چیزی است که هیمنه و شوکت مسلمانان و جامعه اسلامی را از بین خواهد برد.

آری وحدت اسلامی، از مهم ترین ایده ها و آرمان هایی است که هر مسلمان آزاده ای، از صدر اسلام تاکنون، بر مبنای تعالیم اسلام داشته است. در این باره در متن منابع اصیل اسلامی، به خصوص در قرآن کریم، واژه هایی همچون «امت» و «امت واحده» بهترین مؤید این مطلب است. انسجام و وحدت جمعی، مهم ترین مسأله امت اسلامی است. استعمارگران، پی به اهمیت آن برده و در سد ههای اخیر، درصدد شکستن آن برآمده و بهره های ظالمانه فراوانی برد هاند. در سایه اسلام و به برکت تعالیم اسلامی است که ابعاد و عوامل اخلاقی و اجتماعی وحدت مسلمانان، عمق و استحکام می یابد (موثقی، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۸۳). از این رو قرآن کریم در آیات بسیاری بر وحدت امت اسلامی تاکید می کند که به عنوان نمونه به چند آیه بارز اشاره خواهیم کرد:

آیه اعتصام

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَادْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۗ كَذَٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل عمران/ ۱۰۳) و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق

نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید.

در این آیه نخست دعوت به وحدت کرده است و چنان از اعتصام سخن گفته است که لزوم و ضرورت وحدت را برساند. سپس از تفرقه با تمام اقسام و ابعاد و مصادیق آن نهی کرده است. و وحدت برادری و تالیف قلوب را از نعمت‌های الهی قلمداد نموده است و دشمنی و کینه توزی را پرتگاه آتش معرفی فرموده و آن تالیف قلوب و این نجات از پرتگاه دشمنی را به خود نسبت داده است. و در پایان نیز دوری از تفرقه و پیروی از حبل‌الله را موجب هدایت بیان فرموده است. در این که مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسران اختلاف دارند. قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل‌بیت(ع) و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است. برخی نیز مفهوم حبل‌الله را شامل همه این معانی دانسته‌اند. علامه طباطبائی حبل‌الله را قرآن و پیامبر و به تعبیر دیگر کتاب و سنت دانسته‌اند و در واقع مقصود از همه اینها را یکی و ناظر به کتاب و سنت دانسته‌اند. (المیزان، ج ۳، ص ۳۶۹)

آیه اخوت و برادری

خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/۱۰) به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید. این آیه شریفه داشتن روحیه اخوت و برادری و دوری از تفرقه را شرط بهرمندی از رحمت الهی دانسته‌اند. مفهوم این آیه کریمه این است که دوری از اخوت و برادری، موجب دوری از رحمت الهی خواهد بود.

آیه رحمت با مومنان، شدت با کفار

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... (فتح/ ۲۹) محمد (صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کفار بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.

این آیه می فرماید تمامی کسانی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله اعتقاد دارند و واقعا با او هستند، وی را پیامبر خود می دانند، با یکدیگر مهربان هستند. قطعا کوبیدن بر طبل تفرقه، مسلمانان را از شفقت و مهربانی نسبت به یکدیگر دور می کند. صلح و صفا و دلسوزی در درون جامعه و غیرت و شدت و قاطعیت با دشمنان جامعه اسلامی ویژگی یاران و پیروان پیامبر اسلام است.

آیه امت واحده

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیا/ ۹۲) بی تردید این امت شما امت واحده است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید. خداوند سبحان می فرماید که شما باید امت واحده اسلامی را بر محور ربوبیت الهی و عبودیت برای خدا به منصفه ظهور برسانید. تردیدی نیست که متفرق شدن امت به هر بهانه ای که باشد، با امت واحده بودن سازگار نخواهد بود.

آیه برترین امت ها

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثُرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران/ ۱۱۰)

شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر، که مردم را) به نیکوکاری امر می کنید و از بدکاری باز می دارید و ایمان به خدا دارید. و اگر اهل کتاب همه ایمان می آوردند بر آنان چیزی بهتر از آن نبود، لیکن برخی از آنان با ایمان و بیشترشان فاسق و بدکارند.

شهید والا مقام استاد مرتضی مطهری در ذیل آیه شریفه « وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ » (آل عمران/ ۱۰۴) می نویسد: مثل اینکه در اینجا منظور قرآن از «خیر» بیشتر همان اتحاد است. یعنی در میان شما باید جمعیتی باشد که همیشه مسلمین را دعوت به وحدت و اتحاد می کنند و با تفرقه و افتراق های که میان مسلمین هست مبارزه کنند و بجنگند. (حماسه حسینی، ج ۲، ص ۴۸)

آیات نهی از تفرقه

آیات متعددی در قرآن کریم هست که از تفرقه و تشتت جامعه اسلامی نهی می کند. به عنوان نمونه خداوند متعال در سوره می فرماید: **وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** (آل عمران / ۱۰۵) و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود.

و در سوره مبارکه انفال می فرماید:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال / ۴۶) و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویدید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است.

دعوت به پیروی از مشترکات

قرآن کریم می فرماید: **قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ**. (آل عمران / ۶۴) بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگویید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم. دعوت پیروان ادیان دیگر به تعامل و همزیستی بر محور توحید و مشترکات و دوری از تفرقه و اختلاف، به خوبی نشان می دهد که وحدت از محوری ترین برنامه های اسلام است و دینی که ادیان دیگر را به تعامل بر مبنای مشترکاتی مانند توحید و نبوت و معاد دعوت می کند، به طریق اولی از پیروان خود می خواهد که بر مبنای مشترکات دین اسلام و حول محور کتاب الهی و حبل الله متین، وحدت را اصل قرار داده و از تفرقه بپرهیزند

فلسفه وحدت و نهی از تفرقه از دیدگاه قرآن

اگر به آیه شریفه «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال / ۴۶) دقت شود، فلسفه وجوب وحدت و نهی از تفرقه روشن و واضح خواهد شد. قرآن ضمن دعوت مسلمین به وحدت و اتحاد در برابر دشمن و پیروی از فرمان خدا و رسول خدا صلی الله علیه وآله و نهی از تفرقه و تنازع، نتیجه و عاقبت تنازع و تفرقه را «فَشَلَّ»؛ یعنی سست و ضعیف شدن و نابودی و از دست رفتن قدرت

معرفی می‌کند. مسلمانان با وجود اختلافات سلیقه‌ای و طبیعی و اختلاف در امور جزئی و فرعی، باید در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه خود، در جهت حفظ و دفاع از دین و دسترس به اهداف اساسی و اصولی در ابعاد گوناگون، همسو و همفکر و هم مرام باشند و با تمام توان و با برنامه‌های منسجم و همسو، از دین و دست‌آوردهای آن دفاع نمایند. طبیعی است که این مطلب هم با سرشت و فطرت متفاوت انسانها سازگار است و هم اختلافات درون دینی را در امور جزئی و فرعی، معقول می‌سازد.

آب در آسیاب دشمن ریختن

از آنجا که دین اسلام دینی زنده و دارای برنامه است و پیروان راستین خود را دعوت می‌کند تا زندگی خود و جامعه پیرامون را بر محور توحید و ربوبیت الهی اداره کنند و با این نگرش مسلمانان به زندگی خود معنا دهند؛ لذا در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، همواره دشمنان توحید، یعنی دنیا پرستانی که زندگی خود را با محوریت دنیا گرایی و هوا پرستی اداره می‌کنند و با اهداف و آرمان‌های توحیدی در تمامی ابعاد مخصوصا در ابعاد سیاسی و اجتماعی آن، ضدیت دارند؛ تلاش نموده اند تا اسلام را به عنوان یک برنامه زندگی، نا موفق جلوه داده و در عمل آن را از میدان خارج نمایند. این امر سبب شده است تا دشمنان اسلام از نقاط ضعف جامعه اسلامی بیشترین بهره را ببرند. اینجاست که اگر مسلمانان، گرفتار بلای تفرقه و چند دستگی شوند و در مقابل دشمنان وحدت سیاسی و اجتماعی خود را حفظ نکنند، فرصتی طلایی و بی نظیر را خود به دشمن تقدیم نموده اند و او را در رسیدن به هدف یعنی سرکوب اسلام و مسلمین یاری نموده اند. اختلافات مسلمانان به فرموده قرآن باید به گونه ای باشد که در میان مسلمانان ایجاد نا مهربانی نکند؛ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ فرد مسلمان عضو هر مذهب و فرقه ای که باشد، باید بداند که اختلاف و فرقه گرایی تا زمانی مورد تایید اسلام عزیز است که پا را از مدار مهربانی درون جامعه اسلامی فراتر نگذارد و اگر چنین کند بر خلاف قرآن عمل کرده است. اسلام مانند رودی خروشان است که به اقتضای بستر این رودخانه عظیم و شرایط اقلیمی آن البته ممکن است سطح رودخانه دارای امواج متعددی باشد و اگر از نزدیک نگریده شود، سطح رودخانه یکدست نباشد؛ مذاهب گوناگون نباید مسیر حرکت خود را از مسیر اصلی جریان رودخانه جدا کنند و بیشتر از امواج این رود خروشان نمود بیرونی داشته باشند. اما اگر این رود خروشان شعبه شعبه شود و به رودهای فرعی و کوچک مبدل گردد، طبیعی است که قدرت و هیمنه خود را از دست خواهد داد و به آسانی می‌توان راه پیشرفت و رسیدن به دریا را بر آن بست.

بنا بر آنچه گفته شد، سخنان و رفتارهای درون دینی که موجب اختلاف و افزایش تفرقه میان جامعه اسلامی می‌شوند، علاوه بر مخالفت با قرآن، در حقیقت آب به آسیاب دشمن ریختن و کمک به اهداف شوم آنان است. جامعه اسلامی اگر متحد شوند و یک صدا و همه با هم در عرصه جهانی حضور بهم رسانند، هرگز قدرت‌های

استعماری مانند آمریکا و اذنان آن، نخوهند توانست، منطقه جنوب غربی آسیا را به میدان جنگ و خونریزی، تبدیل کنند و صد البته اقتصاد رو به اضمحلال خود را با رونق کارخانه‌های اسلحه سازی، جانی دوباره بخشند. وحدت جامعه اسلامی، نخواهد گذاشت که مستکبران جهانخوار، سرمایه‌های مادی و معنوی مسلمانان را، از جمله مغزهای متفکر و دانشمندان سرزمین اسلامی را به تاراج برده و دست آخر با ایجاد و حمایت از گروه‌های تکفیری، (اعم از شیعیان انگلیسی و تکفیرهای وهابی) چهره رحمانی اسلام را که سراسر رحمت و نور است، سیاه، مشوش، خشن، بی رحم، جزم اندیش و عقب مانده جلوه دهند و از این آب گل آلودی که با برنامه و هدفمند به کمک ایادی و اذنانشان ایجاد کرده اند، بهره‌های ظالمانه گرفته و سپس کریمانه بر جایگاه مقدس صلح بانی و صلح دوستی نشسته و صلح و داوری میان جنگ و خونریزی‌هایی که خود ساخته‌اند را با اهداف شوم پیگیری نمایند.

وحدت در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام

وحدت در سیره و کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

رسول خدا به عنوان پایه‌گذار دین مبین اسلام از ابتدای بعثت مبارک خود، بر ضرورت وحدت و برادری میان اعضای جامعه اسلامی تاکید داشتند و می فرمودند: علیک بالجماعة فإن الذئب يأخذ القاصیه (اعلام الهدایه، ج ۱، ص ۲۳۸) همواره با جماعت همراه شوید و اگر از جامعه اسلامی جدا شوید، دشمنان شما را شکار خواهند کرد. همانطوری گوسفند وقتی که از گله جدا می شود گرسنه و او را شکار خواهد کرد. اسلام دین صلح و آشتی است. تمام تلاش قرآن کریم بر این است که جامعه را با محوریت مشترکات و با صلح و صفا به سر منزل مقصود برساند. در سوره بقره آیه ۲۰۸ می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی در آید و از گام های شیطان پیروی نکنید، که او دشمن آشکار شماست. «اصولا در مقابل پراکندگی (زبان و نژاد و...) یک حلقه محکم اتصال در میان قلوب بشر لازم است، و این حلقه اتصال تنها با ایمان به خداست که مافوق این اختلافات است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۲)

دگرگون کردن ارزش‌های جاهلیت

پیامبر اسلام در میان جامعه ای مبعوث شده بود که جاهلیت و ارزش‌های جاهلی در آن حاکم بود؛ قبیله گرایی، نژاد پرستی، فخر فروشی، حاکمیت ارزش‌های مادی و تعصبات خونی و نژادی، ارزش‌هایی بودند که روابط اجتماعی در آن روزگار بر اساس چنین ارزش‌هایی شکل می گرفت. در چنین فضایی پیامبر

اسلام جو حاکم را دگرگون کردند و روابط بین افراد و جامعه را نه بر اساس خون و تعصبات قبیلہ ای و نژادی بلکه با محوریت توحید و ارزش‌های الهی شکل دادند. در روزهای آغازین تشکیل حکومت در مدینہ میان مهاجرین و انصار پیمان برادری بر قرار کردند و فرمودند: تَأَخَوْا فِي اللَّهِ أَخَوِينَ أَخَوِينَ ... دو نفر دو نفر در راه خدا و با محوریت خدا پیمان برادری ببندید و خود نیز دست حضرت علی علیہ السلام را گرفت و فرمود: هذا أخي علي هم برادر من است. (مجلسی، ۱۱۲/۱۹)

دین اسلام دین جماعت و وحدت

احکام و دستورات اسلامی از دو حال خارج نیستند: یا مربوط به رابطه انسان با خدا هستند و یا مربوط به رابطه ی انسان با انسان های دیگر اعم از افراد یا اجتماع هستند. عباداتی مانند نماز، روزه و حج عباداتی از دسته اول هستند و احکام خرید و فروش و احکام اقتصادی و سیاسی هم از دسته دوم هستند. دین اسلام حتی احکام فردی را، رنگ و بوی اجتماعی داده است و تلاش اکید دارد که فردی ترین عبادات ها مانند نماز با جماعت خوانده شود و در هنگام گرسنگی های ناشی از روزه، به یاد جماعت گرسنگان بیافتد.

اختلاف موجب هلاکت امت اسلامی

روش و منش پیامبر اسلام همانا روش و منش کلام الهی است. قرآن کریم می فرماید: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (آل عمران/۱۰۵) مانند کسانی نباشید که پس از آنکه نشانه روشن (پروردگار) به آنان رسید، پراکنده شدند و اختلاف کردند و آنها عذاب عظیمی دارند. پیامبر اکرم هم می فرمایند: ما اختلفت أمة بعد نبیها إلا ظهر أهل باطلها علی أهل حقها (میزان الحکمة، ۷۴/۳) هیچ امتی بعد از پیامبر خود اختلاف پیدا نکردند مگر اینکه اهل باطل بر اهل حق غلبه پیدا کردند. باز در حدیث دیگری می فرماید: آنچه موجب هلاکت ادیان قل از شما بوده است، تفرقه و اختلافات داخلی است. إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْفِرْقَةَ (همان، ۷۴/۳)

امت اسلامی پیکری واحد

در منابع روایی و کتابهایی مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم روایتی از وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده است که معنا و مفهوم آن بسیار فراتر از اتحاد سیاسی است. در این حدیث شریف پیامبر می فرمایند: مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى (این حدیث در منابع شیعی، از امام صادق نیز روایت شده است. در ترجمه این حدیث شعر زیبای سعدی که در واقع ترجمه حدیث است را خاطر می آورم:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

باز در حدیث دیگری می فرمایند: «المؤمنون إخوانٌ تتكافؤ دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ» (کافی، ۴۰۴/۱) مومنان با هم برادرند و خونشان نیز برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه‌اند.

امام علی علیه السلام و وحدت جامعه اسلامی

روشن و بدیهی است با حضور وجود مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اختلافات در جامعه اسلامی چندان رنگ نداشت و مسلمانان در سایه رحمت آن حضرت، و بر مدار توحید زندگی می کردند و اگر هم اختلافی شکل می گرفت، قول و فعل رسول مهربانی‌ها موجب الفت و اخوت را ایجاد می کرد. اگرچه نمی توان گفت که ریشه تمام اختلافات بعد از وفات رسول اعظم الهی صلی الله علیه و آله پیدا گشت، ولی می توان گفت که تمام اختلافات بعد از وفات آن حضرت عیان و آشکار شد. در همین راستا سخن زیبای امیر المؤمنین علیه السلام در پاسخ به یک یهودی خواندنی است: «وقال له بعض اليهود: مادفنتم نبیکم حتی اختلفتم فیه؛ فقال علیه السلام له إنما اختلفنا عنه لا فیه ولكنکم ما جفت ارجلکم من البحر حتی قلت لنبیکم اجعل لنا إلهًا كما لهم آلهة قال إنکم قوم تجهلون» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۷) (بعضی از یهود گفتند: هنوز پیامبرتان را دفن نکرده بودید که در باره اش دچار اختلاف شدید! فرمود: ما نسبت به آنچه از او رسیده بود اختلاف کردیم نه در باره شخص او، ولی شما هنوز پایتان از آب دریا خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتید برای ما بت خدایی قرار داده چنانکه اینان را خدایانی است، موسی گفت: شما مردمی نفهم هستید.) بنابراین طبیعی است که اولین معصومی (علیهم السلام) که با این پدیده مواجه گشت و با رفتار و گفتار خود مانع از انشقاق عملی اسلام و شکست آن شد، وجود نازنین امیر المؤمنین علی علیه السلام بود. علی (ع) خود را صاحب حق می دانست و حق با او بود ولی سکوت ایشان موجب بقای اسلام و ثبوت آن شد چنانکه خود آن حضرت درباره دلایل سکوت خود می فرماید: وَ اِيْمُ اللّٰهِ لَوْ لَمْ خَافَهُ الْفُرْقَةُ بَيْنَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ اَنْ يَعُوْدُوْا اِلَى الْكُفْرِ وَيَبُوْرَ الدِّيْنَ لَكُنَّا عَلٰى غَيْرِ مَا كُنَّا لَهُمْ عَلَيَّهِ (مفید، ص ۲۳۴)

به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشتشان به کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان به گون های دیگر بود. آری وحدت مسلمین آنقدر مهم است که آن حضرت با وجود مصائب سنگین، راه صبر در پیش گرفته، به حفظ اتحاد جامعه اسلامی می پردازد صبری که دربار هاش فرمودند: فَرَأَيْتُ اَنْ اَلصَّبْرَ عَلٰى هَاثَا اُحْجَى

فَصَبَرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْخَلْقِ شَجَا؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲) عاقبت دیدم که بردباری و صبر به عقل و خرد نزدیکتر است و شکیبائی ورزیدم؛ ولی در حالی بودم که خار در چشمم بود و استخوان در گلویم. همچنانکه، قبل از آنکه به سوی بصره برود نیز آن حضرت در خطبه‌ای فرمودند: فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكِ دِمَائِهِمْ وَ النَّاسُ حَدِيثُو عَهْدٍ بِالْإِسْلَامِ وَ الدِّينِ يَمْخَضُ مَخْضَ الْوُطْبِ يُفْسِدُهُ أَدْنَى وَهْنٍ وَ يَعْكِسُهُ أَقْلٌ خُلْفٌ؛ (ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۸) « با خود اندیشیدم و دیدم که صبر ابر محرومیت از حق ولایت و زعامت مسلمین [برتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان، چرا که مردم تازه مسلمان بودند و دین به مشکی می مانست که کمترین سستی آن را تباه و ناتوان ترین مردم آن را وارانه می کرد. »

امام علی علیه السلام همچنین در پاسخ به درخواست بیعت ابی سفیان، فرمود: من فعلاً مشغول تجهیز پیامبر - صلی الله علیه و آله - هستم و در ادامه نیز هنگامی که ابو سفیان وارد خانه حضرت علی - علیه السلام - شد و اشعاری چند در مدح آن حضرت سرود، حضرت به طور کنایه به نیت ناپاک او اشاره کرد و فرمود: « تو در پی کاری هستی که ما اهل آن نیستیم ». (مسئله، ۱۳۸۹، ص ۲۲)

همچنین در جریان شورای شش نفره گرچه هواخواهی و غرض ورزی بعضی از حاضران در آن شورا سبب شد تا خلافت به کسی غیر از ایشان برسد ولی آن حضرت همچنان به استراتژی مدارا و مسالمت خود ادامه دادند و فرمودند: لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ وَاللَّهِ لَأَسْلَمَنَّ مَا سَلِمَتِ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جُورٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً التَّمَاساً لِأَجْرِ ذَلِكَ وَ فَضْلِهِ وَ زُهْداً فِيمَا تَنَافَسْتُمُوهُ مِنْ زُخْرُفِهِ وَ زُبْرُجِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۷۴)

دانسته‌اید که من از دیگران به خلافت سزاوارترام؛ به خدا سوگند، مادامی که کار مسلمانان بسامان باشد و جز بر من بر دیگران ستمی نرود [آن را وا گذاشته،] تسلیم ام و [این بدین سبب است که] پاداش چنین فضیلت و عملی را از خدا می طلبم و در آنچه شما به خاطر زیور و زینتش با را یکدیگر رقابت می کنید زهد می ورزم.

مشورت دادن امیر المؤمنین به خلفا

مولی الموحدين بارها به خلیفه اول، دوم و سوم مشورت می دادند و آنها را راهنمایی می کردند و نسبت به ایشان خیر خواهی می کردند و با مشورت‌هایی خود جامعه نوپای اسلامی از خطرهای مهلک نجات می دادند. به عنوان نمونه هنگامی که به خلیفه دوم خبر رسید که ایرانیان در تدارک لشکری صد و پنجاه هزار نفری هستند و احتمال حمله وجود دارد، وی از مسلمانان مشورت خواست و نهایتاً به محتوای مشورت امام علی علیه السلام عمل کرد. حضرت علی در پاسخ به مشورت خواهی خلیفه دوم فرمود:

وَ مَكَانُ الْقَيْمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ، فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَذَائِفِرِهِ أَبَدًا، وَ الْعَرَبُ الْيَوْمَ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ، فَكُنْ قُطْبًا وَ اسْتَدِرِ الرَّحَى بِالْعَرَبِ وَ أَصْلِهِمْ دُونَكَ نَارَ الْحَرْبِ، فَإِنَّكَ إِنْ شَخَصْتَ مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ انْتَقَضَتْ عَلَيْكَ الْعَرَبُ مِنْ أَطْرَافِهَا وَ أَقْطَارِهَا حَتَّى يَكُونَ مَا تَدْعُ وَرَاءَكَ مِنَ الْعَوْرَاتِ أَهَمَّ إِلَيْكَ مِمَّا بَيْنَ يَدَيْكَ.

إِنَّ الْأَعَاجِمَ إِنْ يَنْظُرُوا إِلَيْكَ غَدًا يَقُولُوا هَذَا أَصْلُ الْعَرَبِ فَإِذَا اقْتَطَعْتُمُوهُ اسْتَرْحُتُمْ فَيَكُونُ ذَلِكَ أَشَدَّ لِكَلْبِهِمْ عَلَيْكَ وَ طَمَعِهِمْ فِيكَ. فَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ مَسِيرِ الْقَوْمِ إِلَى قِتَالِ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ هُوَ أَكْرَهُ لِمَسِيرِهِمْ مِنْكَ وَ هُوَ أَقْدَرُ عَلَى تَغْيِيرِ مَا يَكْرَهُ؛ وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدَدِهِمْ، فَإِنَّا لَمْ نَكُنْ نَقَاتِلُ فِيمَا مَضَى بِالْكَثْرَةِ وَ إِنَّمَا كُنَّا نَقَاتِلُ بِالنَّصْرِ وَ الْمَعُونَةِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶) جایگاه فرمانده سپاه، همانند رشته ای است که مهره ها را در آن کشند، و او آنها را در کنار هم جای داده. اگر آن رشته بگسلد، مهره ها پراکنده شوند و هر یک به سوی روند، انسان، که گرد آوردنشان هرگز میسر نگردد.

عربها امروز اگر چه به شمار اندک هستند ولی با وجود اسلام بسیارند. و به سبب اتحادشان پیروزمند. تو محور این آسیاب باش و ساکن بر جای. به نیروی عرب آسیاب را به چرخش در آور و آتش جنگ را به ایشان برفروز، نه به خود. زیرا اگر از این سرزمین بروی، عربها از اطراف و اکناف پیمان بشکنند و کار به جایی کشد که نگه داری آنچه پشت سر نهاده ای، از آنچه رویاروی آن هستی، دشوارتر گردد. ایرانیان فردا تو را ببینند و گویند این است ریشه عرب، اگر آن را قطع کنی، از جنگ آسوده شوید. و همین سبب می شود که حرص و طمعشان در نابود کردن تو افزون گردد. اما آنچه از آمدن این قوم به جنگ مسلمانان گفتی، خداوند سبحان، از آمدن آنها به جنگ مسلمانان ناخشنودتر از توست و او تواناتر است تا آنچه را سبب ناخشنودی او می شود، دگرگون سازد. اما در باب شمار بسیارشان، ما در گذشته هرگز به پشتگرمی انبوهی سپاه نمی جنگیدیم، به امید یاری و مددکاری خداوند بود که می جنگیدیم.

این سخن حکیمانه از چند جهت بیانگر دیدگاه امام علی علیه السلام در باره وحدت است: نخست: اصل مشورت دادن به خلیفه دوم با وجود اختلافات موجود، به این معنا است که می توان ضمن اختلاف نظر و داشتن دیدگاه های مختلف، اما با محوریت مشترکات و با هدف حفظ اسلام و رساندن پیام سرشار از صلح آن به جهان، با همدیگر تعامل داشته باشیم و در برابر بیگانه متحد باشیم. وقتی کیان و هستی اسلام در خطر است، اختلاف بی معنی است. دوم: حضرت در ضمن این سخن، می فرمایند: وَ الْعَرَبُ الْيَوْمَ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ،... عربها امروز اگر چه به شمار اندک هستند ولی با وجود اسلام بسیارند. و به سبب اتحادشان پیروزمند... این سخن یعنی آنچه که موجب قدرت و پیروزی است تعداد نیروها و افراد یک جامعه نیست بلکه این وحدت و انسجام آنهاست که می تواند پیروزی را برای آنها به ارمغان بیاورد.

دست خدا با جماعت

در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه خطاب به خوارج می فرماید:

«و الزموا السواد الاعظم فان يد الله على الجماعة فان الشاذ من الناس للشيطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب»
همراه جماعت باشید که خدا بالای سر جماعت است و از افتراق و جدائی بپرهیزید برای این که هر گوسفندی که از گله جدا شود طعمه گرگ می شود. کسی هم که از جماعت و از سواد اعظم جدا بشود نصیب شیطان می شود.

وحدت در کلام سایر ائمه هدی

اگر شخصی در منابع اسلامی یعنی در قرآن و سنت (یعنی مجامع روایی شیعه و سنی) تورق کند، و هدف وی این باشد که برخی از اصول مورد تاکید دین اسلام را نشانه گذاری و شناسایی و یا معرفی نماید، بدون شک وحدت جامعه اسلامی یکی از این اصول خواهد بود. بنابراین ائمه هدی علیهم السلام که عارف و عامل به دستورات دین اسلام بودند، بهتر از هر کس دیگری به اهمیت این امر واقف بوده و آن را مورد تاکید قرار داده اند. به عنوان نمونه برخی از احادیث معصومین علیهم السلام را در این خصوص ذکر خواهیم نمود:

۱. قال الامام الباقر عليه السلام:

إن الله عزو جل خلق المؤمنين من طينة الجنان و أجرى فيهم من ریح روحه فلذلك المؤمن أخو المؤمن لأبيه و أمه فإذا أصاب روحا من تلك الأرواح في بلد من البلدان حزن، حزن هذه لأنها منها).
الكافي، جلد ۲، ص ۱۶۶

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند، مؤمنان را از خاک بهشت آفرید و از روح خود در آنان دمید، از این رو مؤمن با مؤمن، برادر پدر و مادری است پس هرگاه که به یکی از آنان در دیاری اندوهی برسد، دیگری هم در غم او اندوهگین می شود.

۲. قال الامام الصادق (عليه السلام) :

إنما المؤمنون إخوة بنو أب و أم و إذا ضرب علی رجل منهم عرق سهر له الاخرون. (الكافي، جلد ۲، ص ۱۶۵).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: مؤمنان، با یکدیگر برادرند، و همگی فرزندان یک پدر و مادر و چون رگ یکی از آنان زده شود «مصیبتی بر او وارد شود» دیگران در غم او خوابشان نبرد.

۳. قال السجاد (عليه السلام):

یا زهری، اما علیک أن تجعل المسلمین منک بمنزلۃ أهل بیتک، فتجعل کبیرهم بمنزلۃ والدک، و تجعل صغیرهم بمنزلۃ ولدک، و تجعل تربک منهم بمنزلۃ أخیک (بحار الأنوار، جلد ۶۸، ص ۲۳۰)
امام سجاد (علیه السلام) به زهری فرمود: ای زهری، چه می شود که مسلمانان را مانند اهل خانه خود بدانی، بزرگ آنان را بمنزله پدر خود و کوچکشان را بمنزله فرزند و همسال خود را بمنزله برادرت قرار دهی.

وحدت در کلام امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری مدظله الوارف

وحدت در طبیعه نهضت

در همان آغازین روزهای نهضت اسلامی و از سخنرانی های تند و آتشین امام راحل رحمه الله، پیدا بود که وحدت در این نهضت، جایگاه رفیعی خواهد داشت. امام نهضت بدون در نظر گرفتن اختلافات درون دینی، حمایت شاه ایران را از اسرائیل مورد نکوهش قرار می دهد. امام می فرماید: « امروز به من اطلاع دادند که بعضی از اهل منبر را برده اند در سازمان امنیت و گفته اند شما سه چیز را کار نداشته باشید، دیگر هر چه می خواهید بگویید، یکی شاه را کار نداشته باشید، یکی هم اسرائیل را کار نداشته باشید، یکی هم نگویید دین در خطر است. این سه تا امر را کار نداشته باشید، هر چه می خواهید بگویید. خوب اگر این سه تا امر را ما کنار بگذاریم، دیگر چه بگوییم؟! ما هر چه گرفتاری داریم از این سه تاست تمام گرفتاری ما.» این سخن امام روشن می سازد که روحانیت شیعه و در صدر آنها امام خمینی ره در همان سالها از ظلم ها و ستمهای اسرائیل نسبت به مسلمانان و نقشه های شومی که برای سیطره بر منطقه کشیده است، به مردم هشدار می دادند و دستگاه امنیتی حکومت پهلوی به خاطر ارتباط تنگاتنگ خود با اسرائیل، روحانیت و امام را از تبلیغ علیه اسرائیل نهی می کردند.

وحدت رمز پیروزی؛

امام راحل ره وحدت را رمز پیروزی می داند. از دیدگاه امام هر جا پیروزی و نصرتی بوده است و آنچه اسلام را از روز اول تا کنون بر دشمنان پیروز کرده است، وحدت بوده است و هر جا شکست و گرفتاری بوده و اکنون نیز هست ناشی از تفرقه و عدم هماهنگی است. ایشان ضمن اذعان به ضعف قوای اولیه اسلام، ایمان و وحدت را مایه پیروزی لشکر اسلام می داند:

« رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوت ایمان بود که یک لشکر ضعیف را بر امپراتوری-های بزرگ عالم غلبه داد» (در جمع هیأت عالی رتبه-ی علمای عربستان، ۱۳۵۸/۲/۱) همچنین در پیام خود به حجاج بیت الله الحرام می فرمایند: « ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمامی گرفتاری-های

کشورهای اسلامی اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است... همه برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین و گریز از تفرقه و جدایی و گروه‌گرایی که اساس همه‌ی بدبختی‌ها و عقب‌افتادگی‌هاست. « (پیام به زائران بیت الله الحرام، ۱۳۵۸/۷/۷)

تفرقه موجب ظلم و ستم مستکبرین بر مسلمانان

امام (ره) به غارت و چپاول سرمایه‌های ملل مستضعف و به ویژه کشورهای اسلامی توسط دولت‌های استکباری اشاره می‌کند و تمام این گرفتاری‌ها را ناشی از ضعف قدرت مسلمین می‌داند. از دیدگاه امام راحل (ره) تنها چیزی که می‌تواند موجب تقویت کشورهای اسلامی گردد و قدرت ایشان را در مقابل فتنه‌ها و دست‌اندازی‌های دشمنان اسلام افزایش دهد، دو چیز است:

نخست: وحدت و برادری امت اسلامی و دوری از تفرقه

دوم: اتکا به قدرت معنوی و نه‌راسیدن از قدرتهای مادی.

امام راحل (ره) در این خصوص صراحتاً می‌فرماید: « اگر ملت‌های مسلم که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، این‌ها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند؛ هیچ آسیبی بر این‌ها واقع نمی‌شود و هیچ یک از ابرقدرت‌ها قدرت این‌که تجاوز به این‌ها بکنند، ندارند» (در جمع اعضای جهاد سیستان و بلوچستان، ۱۳۵۹/۵/۲۷) باز در جای دیگری می‌فرماید: « پیام من به برادران عرب و مسلمانان این است که بیایید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر بدهید و همگام و هم‌پیمان با همه‌ی برادران مسلمان غیر عرب تنها اسلام را تکیه‌گاه خود قرار دهید. تنها با داشتن ذخایر مادی که از حساب افزون است و از همه‌ی آنها مهم‌تر ذخیره‌ی الهی و معنوی که اسلام است، می‌توانید قدرتی باشید که هرگز ابرقدرت‌ها هوس تسلط بر شما را نکنند و این‌گونه شما را از چپ و راست مورد حمله قرار ندهند و همه چیزمان را غارت نکنند. (جهان اسلام از دیدگاه امام، تبیان ۱۹، ص ۴۴).

وحدت به عنوان راهبردی قرآنی و نه تاکتیک

می‌توان با دو رویکرد به وحدت جامعه اسلامی نگاه کرد:

نخست: وحدت به عنوان تاکتیک؛ در این رویکرد مسلمانان تنها جهت مصون ماندن از برخی آسیب‌ها و برای مدت محدود با هم متحد می‌شوند. از این وحدت تاکتیکی هم غالباً در وضعیت منفعلانه و در مقابل حمله‌های بی‌امان دشمن استفاده می‌شود. بنابراین و از این منظر، «وحدت» یک تاکتیک محسوب شده و برای مقابله با

تهدیدهای دشمن بسیار راهگشا و مؤثر خواهد بود. در چنین رویکردی پس از رسیدن به هدف، ممکن است که تاکید و پافشاری اولیه بر وحدت از بین رفته و دوباره اختلافات فیمابین رخ بنماید.

دوم: وحدت به عنوان یک راهبرد؛ در این رویکرد، وحدت صرفاً یک تاکتیک موقت و مقطعی نیست که برای رسیدن به هدفی خاص و یا تحت فلان شرایط اتخاذ شده باشد. در رویکرد راهبردی، وحدت صرفاً یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه تلاش برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، واجبی عینی است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت الهی دارد.

با در نظر داشتن این مقدمه، و نیز با نگاهی به سند رسمی جمهوری اسلامی ایران یعنی قانون اساسی و نیز با توجه به گفته و نوشته های امام راحل ره و مقام معظم رهبری، به روشنی می توان فهمید که رویکرد جمهوری اسلامی ایران به وحدت رویکردی تاکتیکی و از سر انفعال و برخاسته از احتیاج و الزام شرایط نیست. وحدت مر صریح قرآن کریم و دستور اکید دین مبین اسلام و خواسته ائمه هدی علیهم السلام است. امام در این رابطه می فرماید:

«... و من امیدوارم که همه ملت های اسلامی، گمان نکنند این ملت های اسلامی که ما در یک گوشه ای هستیم و آنها در گوشه دیگر، قرآن همه شما را «برادر» خوانده است، قرآن عقد اخوت بین همه شما، آن کسانی که در آخر نقطه عالم هست و مسلم است و مؤمن است با آن کسی که در اول نقطه عالم هست و بین مشرق و مغرب با آنها جدائی هست، اینها جدائی از هم ندارند و همه باهم برادرند و باید به حکم اسلامی همه با هم برادری کنند... و مؤمنین در هر جا که هستند برادر باشند و به برادری رفتار کنند...» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۵۴)

مقام معظم رهبری نیز راهبردی بودن وحدت را چنین بیان می کنند: «ما معتقدیم که اسلام، وحدت مسلمین و اتحاد نیروهای مؤمن به خدا و موحد را یکی از فرایض قرار داده است. ما معتقدیم که یکی از بزرگترین اهداف حج خانه ی خدا این است که مسلمانان را به هم نزدیک کند. (حدیث ولایت، ج ۴، ص ۲۹۷)

مقام عظمای ولایت همچنین وحدت را یکی از اصول و ارکان دین اسلام دانسته و می فرماید: «یکی از اصول اسلام، وحدت مسلمین و اخوت اسلامی است. «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» (آل عمران، ۱۰۳)، نقاط مشترک را هم باید چسبید.» (حدیث ولایت، ج ۶، ص ۳)

شعار وحدت مسلمین را یک مسأله ی استراتژیک می دانم - یک مسأله ی تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباطات داشته باشیم - مسلمانان، بتدریج این اختلافات مذهبی و طایفه یی را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ۲۶/۰۱/۱۳۶۹

اهانت به مقدسات، برهم زنده وحدت و خط قرمز نظام اسلامی

تاکید می‌کنم که خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصب‌های کور و بی‌جا، چه سنی و چه شیعه به مقدسات یکدیگر توهین می‌کنند، نمی‌فهمند چه می‌کنند. بهترین وسیله برای دشمن همین‌ها هستند، بهترین ابزار در دست دشمن همین‌ها هستند، این خط قرمز است. سنی و شیعه هر کدام مراسم مذهبی خودشان را، آداب خودشان را، عادات خودشان را، وظایف دینی خودشان را انجام می‌دهند و باید بدهند.

اما خط قرمز این است که نباید مطلقاً بین اینها به خاطر اهانت به مقدسات چه آنچه که از سوی بعضی از افراد شیعه از روی غفلت صادر می‌شود، چه آنچه که از روی غفلت از بعضی از افراد سنی مثل سلفی‌ها و امثال اینها صادر می‌شود که یکدیگر را نفی می‌کنند چیزی بیان شود. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. اینجا هم باید هوشیاری باشد.

سوءاستفاده دشمن از اختلافات شیعه و سنی

کسانی که شعار اتحاد و وحدت و برادری مسلمین را می‌دهند، اینها دشمن مسلمانان نیستند، دوست مسلمانانند، خیر مسلمانان را می‌خواهند و مایلند همه‌ی مسلمین عالم عزیز باشند. چه فایده‌ای دارد که در داخل جامعه‌ی اسلامی، مسلمانان از مذاهب مختلف، روبه‌روی هم بایستند و به همدیگر ضربه بزنند. از آن طرف هم دشمن بیاید، هر دوی اینها را محاصره کند، سرشان را به هم بکوبد و خودش بنشیند، تماشا و استفاده بکند. این خوب است؟

اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند، سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته ایم که منظورمان از وحدت این که شما شیعه بشوید. ما چنین چیزی نگفته ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهب را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند، همچنانکه بحمدالله در دوران انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات اینها سوءاستفاده کند. برگزاری هفته وحدت، برای این است.

سربلندی دنیای اسلام با اتحاد مسلمانان

یک میلیارد انسان در دنیا هستند که درباره ی خدا و پیامبر و نماز و حج و کعبه و قرآن و بسیاری از احکام دینی، با هم یک عقیده دارند، یک یاچند مورد اختلاف هم دارند. اینها بیابند همان چند اختلاف را بگیرند، با هم بجنگند، تا آن کسی که با اصل خدا و پیامبر (ص) و دین و همه چیز مخالف است، کار خودش را انجام بدهد. آیا این عاقلانه است؟ ما گفتیم یک عده از علما و متفکران دور هم بنشینند و در سطح علمی و فرهنگی، برای تقریب و نزدیک کردن، 'مؤسسه التقریب بین المذاهب الاسلامیه' را به وجود آورند. چهار مذهب فقهی در اهل سنت هست، مذهب امامیه هست، مذهب زیدیه هست، مذاهب دیگر اسلامی هستند. اینها بنشینند ببینند، در مسایل علمی و دینی، چقدر می توانند با یکدیگر همکاری و کار کنند. ما این مرکز را تشکیل دادیم. ان شاءالله برادرانی که مسوول این کار هستند و معین شده اند، آن را با قوت دنبال می کنند. این کار، کاری است که خدای متعال از آن راضی است و سرنوشت اسلام به این طور کارهاست. اگر مسلمین دست در دست هم بگذارند و با هم صمیمی باشند، ولو عقایدشان مخالف با یکدیگر باشد، اما آلت دست دشمن نشوند، دنیای اسلام سربلند خواهد شد.

حفظ وحدت کلمه

وحدت کلمه را حفظ کنید. مبدا کسانی با زبان هایی، بدون قصد و غرض سویی، فقط به علت اشتباه و به خاطر اینکه مصلحت را نمی فهمند و نمی دانند که چه بگویند، چیزهایی بگویند که مردم را دلسرد بکنند. متأسفانه گاهی در گوشه و کنار دیده می شود که بعضی مصلحت خود و مصلحت انقلاب و ملت را نمی فهمند. با زید بدی می کنند، با نظام بدی می کنند. می خواهند مسوولی را زیر سوال ببرند، انقلاب را زیر سوال می برند. نمی فهمند که این کار، زیر سوال بردن انقلاب است. می خواهند یک جبهه بندی درست کنند، ولی نمی فهمند که این جبهه بندی، به وحدت ضربه خواهد زد.

دست رد به سینه مخالفین وحدت

زمزمه های تفرقه را از هر کس که باشد، رد کنید. دشمن در مقابل ملتی که ایمان راسخ و امید به آینده دارد و آماده ی فداکاری است و وحدت را در میان خود، مثل گوهر گرانبهایی حفظ کند، چه کار می تواند بکند؟

سعی کنید این وحدت را- که بحمدالله امروز در میان ملت ایران مستحکم است- حفظ کنید. زمزمه های تفرقه را از هر کس که باشد، رد کنید. نگذارید افرادی از روی نادانی، یا خدای نکرده از روی غرض، در صفوف ملت انشقاق ایجاد کنند. این ملت که با یکپارچگی و وحدت خود توانست به هدفهایش برسد، باید ان شاء الله این وحدت و یکپارچگی را در زیر پرچم اسلام و قرآن حفظ کند. (حدیث ولایت، ج ۶، ص ۱۵۷)

ایستادگی، مقاومت، حضور و وحدت، شرط پیروزی

هر جا ملتها دست به دست هم بدهند، حضور داشته باشند، این حضور را ادامه بدهند و با سختیهایش بسازند، ممکن نیست قدرتهای بین المللی - آمریکا و امثال آمریکا - بتوانند آن کاری را که می خواهند، در مقابل اینها انجام بدهند. ملتها پیروزند. این، یک واقعیت است. ایستادگی، مقاومت، حضور و وحدت، از شرایطش است

امروز، شما در دنیا می بینید که بتدریج در مناطقی از عالم، همین تجربه ی ایران تکرار می شود و برای همین است که امام بزرگوار ما، به طور قاطع می گفت که دشمن قادر نیست این ملت را تا وقتی ایستاده و متحد است، شکست بدهد و فرمودند: «آمریکا در مقابل ایران، هیچ غلطی نمی تواند بکند.» ما هم همان حرف را تکرار می کنیم. این، اعتقاد ملت ایران و مسئولان و دست اندرکاران نظام جمهوری اسلامی است. (حدیث ولایت، ج ۴، ص ۱۵۴)

خلاصه سخن

تا کنون گفته شد که وحدت از دیدگاه قرآن و سنت پیامبر(ص) و روایات معصومین (ع) و نیز از دیدگاه رهبران دینی، یکی از اصول اسلام و ارکان آن است. وحدت تداوم اخوت اسلامی و رمز پیروزی، است و اختلاف موجب هلاکت امت است. وحدت مصداق رحمت و اختلاف مصداق عذاب است. وحدت نوعی چنگ زدن به ریسمان الهی است. وحدت موجب حفظ شکوه و قدرت مسلمانان و تفرقه سبب از دست دادن هیمنه آنان است. وحدت قدرت افزا و عزت آفرین است. وحدت یک راهبرد است نه یک تاکتیک. و این خلاصه ای بود از آنچه گفته شد. حال با توجه به آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت:

۱. هر گونه اختلاف و تفرقه افکنی میان اعضای جامعه اسلامی به معنای دور شدن از یکی از ارکان اسلام و افتادن در دام های ابلیس است. آنان که دم از تعصبات قومی و مذهبی و نژادی می زنند و به جای تکیه بر قرآن و محوریت اسلام، به زبان و قومیت و نژاد بها می دهند و مقدسات همدیگر را مورد اهانت قرار می دهند، چنین افرادی نمی توانند خود را منتسب به اسلام بدانند و یا خود را پیرو رسول خدا به حساب آورند. مگر خداوند سبحان نمی فرماید: **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً**، شرط محسوب شدن از امت، اهمیت دادن به وحدت امت است.

۲. تکیه بر هر گونه تعصبی اعم از تعصبات قومی و قبیله ای، حزبی و گروهی، دینی و مذهبی و ... با روح امت واحده نمی سازد و مصداق ارتکاب محرمات است. به تعبیر زیبای مقام معظم رهبری: امروز هر حنجره ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره ی الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره ای و زبانی که ملتهای مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیتها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است. ۱/۰۳/۱۳۹۲

۳. اختلافات درون دینی که ناشی از اجتهاد و تفسیرهای مختلف از دین باشد و به عرصه اجتماع کشیده نشود و بیشتر کشمکش های علمی باشد تا نزاع های خونین؛ چنین اختلافاتی می تواند طبیعی باشد. اما شرط طبیعی بودن و قابل قبول بودن آن، این است که صرفا اختلافاتی درون دینی باشد و اما در برابر دشمنان اسلام همه ید واحد شوند و هیمنه اسلام را حفظ نمایند.

۴. مطابق سنت رسول خدا و ائمه هدی (ع) امت اسلامی و اعضای آن مانند اعضای یک پیکرند. اگر عضوی از بدن دچار درد و رنجش شود و عارضه ای مانند درد و یا تب برآن عارض شود، یقیناً دیگر اعضا و جوارح بدن نیز بی قرار و نا آرام خواهند شد. اعضای یک پیکر از همدیگر بی خبر نیستند و در نا ملایمات به یکدیگر کمک می کنند. حال اگر امت اسلامی چنین باشند، می توان گفت رسالت خود را به درستی انجام داده اند اما اگر هر یک از حال دیگری بی خبر باشند و به امور یکدیگر اهمیت ندهند به فرموده پیامبر اساسا مسلمان نیستند. *مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.* امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمانان ندهد او از آنان نیست و کسی که صدای مردی بشنود که فریاد کمک خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد مسلمان نیست (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴)

۵. از آنجا که اسلام دین فطرت است و شریعت سهله و سمحه است، در نیمه دوم قرن بیستم، میزان گرایش مردم جهان به اسلام روز به روز افزایش می یافت و این امر سبب شد تا قدرت های دنیا و در راس آنها آمریکا و اروپائیان احساس خطر کنند و هژمونی خود را در معرض خطر ببینند. این امر سبب شد تا این کشور با رویکردی استکباری، صهیونیستی و در قالب پروتکل های سازمان ملل، مسلمانان را دچار درگیری های داخلی طائفه ای نموده و با نشان دادن چهره ای خشن و خونین از اسلام، پروسه اسلام هراسی را جامه عمل بپوشانند؛ تا از یک سو جلوی رشد اسلام خواهی و اسلامی گرایی جوانان اروپائی و غربی را بگیرند و از سوی دیگر با ایجاد درگیری های منطقه ای، برای سلاح های خود خریدار ایجاد نموده و کارتل های اقتصادی خود را از ورشکستگی نجات دهند.

۶. امت اسلامی امروز در مقابل دشمنی پیچیده و مرموز دشمنان اسلام در دو عرصه رئال و فضای مجازی قرار گرفته است. مسلمانان امروزه بیشتر از هر زمان و مکان دیگری مسئولیت دارند تا دین محمد (ص) را حفظ نمایند. ما در برابر خدای بزرگ و رسول خدا (ص) و ائمه هدی (ع) مسئولیت داریم تا حاصل و دسترنج اولیاء و صالحین را حفظ کنیم و با اختلافات خود، اسباب اضمحلال و نابودی آن را فراهم نکنیم. برای حفظ دین اسلام در شرایط فعلی تنها یک راهکار وجود دارد و آن چیزی نیست جز وحدت قولی و عملی دنیای اسلام. وحدت در مقابل دشمنان خارجی، وحدت با اتکا به مشترکاتی مانند ایمان به خدا و صفات خدا، ایمان به معاد و پیامبران الهی، ایمان به رسول مهربان اسلام، و با

داشتن احکام عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشترک. آری همه می دانند و می دانیم که شیعه و سنی در خصوص مسأله امامت اختلاف نظر داریم و صد البته منظور از وحدت در این مورد دست برداشتن از عقاید خود نیست بلکه ایستادن و مقاومت در برابر دشمنان و دسیسه های ویرانگر و تفرقه افکنانه آنان است.

۷. دشمنان جامعه و امت اسلامی ممکن است که از کشورهای گوناگون باشند، اما آنچه روشن است این است که آنان در یک امر مشترک و متحد هستند و آن نابودی کامل اسلام است. اینان بین شیعه و سنی هم تفاوتی قائل نیستند و به نوبت و براساس سیاست های شیطانی و با تدریج قصد نابودی تمام پیکره اسلامی را دارند. گاهی ضربه ای به شیعه می زنند و گاهی به اهل سنت؛ اما آنچه علی الدوام وجود دارد ضربه بر پیکر رنجور اسلام است. اگر سلمان رشدی آیات شیطانی را می نویسد، و اگر کشیش صهیونیست - مسیحی اقدام به آتش زدن قرآن می کند، و اگر مسلمانان مورد بازرسی بدنی قرار می گیرند و اگر جو و فضای عمومی جهان را چنان با ترفندهای هالیودی و شیطانی مدیریت کرده اند که همگان از اسلام همان را برداشت می کنند که از تروریسم و گویی اسلام مترادف نه بلکه هم خانواده ترور شده است و اگر فلسطین پاره تن اسلام، هنوز در رنج است و اگر مسلمانان هند و میانمار و پاکستان و افغانستان و عراق و سوریه و بحرین و... هر روز به بهانه ای از سوی استکبار و ایادی منطقه ای آن مورد تعرض قرار می گیرند؛ این تهمت ها و اهانت ها، اهانت به مقدسات و کرامت تمام مسلمانان است. شیعه باشی یا سنی از شنیدن اهانت به قرآن تنت به لرزه در خواهد آمد. اگر کسی دل در گرو اسلام داشته باشد، از اعلام قدس شریف به عنوان پایتخت اسرائیل از سوی دولت آمریکا، خاطرش مکدر خواهد شد. اگر ما مسلمانان هیچ گونه مشترکاتی نداشتیم جز دشمن مشترک، همین دشمن مشترک نزد عقلای عالم برای ایجاد وحدت کافی بود؛ حال که بیشتر عقاید و آرمان های ما شیعیان و اهل سنت مشترک است و دشمن مشترک هم داریم پس چرا یکدیگر را تکفیر کنیم و چرا به جای دشمن به جان هم بیافتیم!

چند نمونه تاریخی

پیروزی انقلاب اسلامی

در سایه پیروی از دستورات امام راحل (ره) و وحدت تمام نیروهای انقلاب اسلامی، مردم ایران توانستند، رژیم تا بیخ دندان مسلح پهلوی را سرنگون نمایند. به راستی اگر نیروهای انقلاب هر کدام بر ساز خود می زدند و خط مشی « وحدت محور » را زیر پا می نهادند، خطر به پیروزی نرسیدن انقلاب، بیسار محتمل بود. کلمه توحید و توحید کلمه عامل و رمز موفقیت انقلاب اسلامی ایران بود.

مقاومت در جنگ تحمیلی

در شرایطی که انقلاب نوپای اسلامی در ایران تازه جوانه زده بود، تحمیل یک جنگ تمام عیار توسط یکی از قویترین ارتشهای منطقه و حمله به ایران بخشی از سناریوهای تایید شده دولت آمریکا است. صدام حسین تکریتی با پشتیبانی دولت های منطقه و حمایت دول غربی و شرقی، می رفت تا پس از شکست انقلاب نوپای امام، به گندم ری برسد؛ اما آنچه در برابر تهدید بالفعل صدام موجب پیروزی و سربلندی ارتش اسلام به رهبری امام راحل (ره) شد، علاوه بر روحیه ایمانی دلاور مردان، وحدت کلمه ای بود که بر جبهه های جنگ حق علیه باطل حاکم بود.

پیروزی جبهه مقاومت در عراق و شام

دشمنان قسم خورده اسلام، در مقابل موج بیداری اسلامی که یکی از پس لرزه های انقلاب اسلامی در منطقه بود، و می رفت تا به سلطه استبداد و خودکامگی در منطقه پایان دهد، طرح سازماندهی نیروهای افراطی را بار دیگر به اجرا گذاشتند. این عناصر نادان یا مزدور، در یک باز طراحی جدید، با بازی به نفع دشمن، منطقه عراق و شام را به تصرف خود در آوردند و چیزی نمانده بود که بغداد و دمشق نیز به طور کامل به تصرف « داعش » در آید. طبق برنامه های راهبردی نظام مقدس جمهوری اسلامی و تدبیر مقام عظمای ولایت، در مقابل جبهه تکفیرها و حامیان ستمگر ایشان، جبهه مبارک « مقاومت » شکل گرفت. جبهه مقاومت گرچه ظاهراً در مقابل دولتی نا مشروع و خلافت خود خوانده داعش ایستاده بود اما در واقع در مقابل حمایت های مالی و معنوی و چند جانبه کشورهای حامی داعش مانند آمریکا و اسرائیل و عربستان و امارات و دیگر کشورها مقاومت می کرد. وحدت « جبهه مقاومت » باعث شد تا این روزها گروهگ دست پرورده غرب و حاصل دلارهایی مرتجعین منطقه، رو به اضمحلال نهد. هنوز شیرینی پیام سردار سر افراز سپاه اسلام حاج قاسم سلیمانی، خطاب به حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی، در کام ارادتمندان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله باقی است. این پیروزی چیزی جز لطف خدا و عنایت اهل بیت (ع) و مقاومت و وحدت دلیر مردان جبهه مقاومت و دوستان منطقه ای ایشان نیست. سردار سر لشگر سلیمانی نیز در پیام خود به این نکته اشاره کرده است:

«...آنچه پس از لطف خداوند سبحان و عنایت خاص رسول معظم اسلام (صل الله علیه و آله) و اهل بیت گرانقدرش باعث شکست این توطئه سیاه و خطرناک گردید، رهبری خردمندان و هدایت های حکیمانه حضرت مستطاب عالی و مرجع عالیقدر حضرت آیت العظمی سیستانی بود که موجب بسیج کلیه امکانات برای مقابله با این طوفان مسموم گردید.

یقیناً پایداری دولت های عراق و سوریه و پایمردی ارتش ها و جوانان این دو کشور خصوصاً حشدالشعبی مقدس و دیگر جوانان مسلمان سایر کشورها با حضور مقتدرانه و محوری حزب الله به رهبری سید پر افتخار آن، جناب سید حسن نصرالله (حفظه الله تعالی) نقش تعیین کننده ای در به شکست کشاندن این حادثه خطرناک داشتند. قطعاً نقش ارزشمند ملت و دولت خدمتگذار جمهوری اسلامی خصوصاً ریاست محترم جمهوری اسلامی، مجلس، وزارت دفاع و سازمان های نظامی و انتظامی و امنیتی کشورمان در حمایت از دولت ها و ملت های کشورهای فوق الذکر قابل تقدیر است...»

پاسخ حکیمانه مقام معظم رهبری به سردار سر افراز سپاه اسلام خود حاوی این نکته است که این پیروزی مرهون مجاهدت ها و هوشیاری و تدبیر و وحدت و بصیرت عوامل این نصرت ظفرمندانه است. ایشان می فرماید: «... آنهایی که با سرمایه گذاری سنگین این توطئه شوم را تدارک دیده بودند آرام نخواهند نشست سعی خواهند کرد آن را در بخشی دیگر از این منطقه و یا به شکلی دیگر دوباره به جریان افکنند. حفظ انگیزه، حفظ هوشیاری، حفظ وحدت، زدودن هر پسماند خطرناک، کار فرهنگی بصیرت افزا و خلاصه، آمادگی های همه جانبه نباید فراموش شود. شما را و همه ی برادران مجاهد از کشورهای عراق و سوریه و دیگران را به خدای بزرگ می سپارم و به همه شما سلام و دعا می کنم.»

نتیجه

حال بهتر است حاصل این چند صفحه را، دسته بندی نموده و از آن نتیجه گیری نماییم:

۱. وحدت، میان پیروان امت اسلام و جامعه اسلامی اصل و رکنی از اصول و ارکان اسلام است. اسلام بر تشکیل « امت واحده » تاکید بسیار دارد و تشکیل امت واحده اسلامی بدون وحدت امکان پذیر نیست.
۲. از آنجا که وحدت رمز پیروزی و موجب ازدیاد قدرت و شوکت مسلمانان می شود، لذا دشمنان اسلام و در راس آنان آمریکا و اسرائیل، تمام تلاش خود را برای ایجاد تفرقه میان گروه ها و مذاهب گوناگون اسلامی انجام خواهند داد. گاهی در قالب حمایت از گروه های تکفیری و زمانی در قالب حمایت شبکه های ماهواره ای. ایجاد نزاع های مذهبی و برانگیختن و تحریک تعصبات مذهبی و اهانت به مقدسات یکدیگر و... ترفند های شیطانی هستند که سبب از بین رفتن وحدت و هژمونی جهان اسلام خواهند شد.
۳. جامعه اسلامی با داشتن منابع و ثروت های خدا دادی مانند نفت و گاز، و موقعیت سوق الجیشی و نیروی انسانی جوان و توانا، اگر به جای نگاه به بیرون و برون گرایی، نگاه به درون جامعه اسلامی داشته باشد، و از این امکانات در راستای اعتلای کلمه الله استفاده کند، قطعاً بار دیگر جامعه اسلامی شکوه و

همینه از دست رفته خود را باز خواهد یافت و دیری نخواهد پائید که تمدن نوین اسلامی شکوفه زده و بشریت از معایب تمدن غربی رها خواهد نمود.

۴. در صورتی که رکن رکین وحدت، نا دیده گرفته شود و کشورهای اسلامی، تدبیر و برنامه خود را به دست دشمن رقم بزنند، نتیجه ای جز شکست روز افزون و وابستگی به دشمن نخواهد داشت. اعلام قدس شریف به عنوان پایتخت رژیم غاصب اسرائیل، از سوی رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ، نتیجه تفرقه حاکم بر پیروان دین اسلام است. اگر کشورهای اسلامی وحدت داشتند و دست کم د رامور سیاسی هم افزایی می کردند، هرگز آمریکا جسارت چنین اقدام موهنی ارا پیدا نمی کرد. مع الأسف کشورهای اسلامی به جای دشمن شناسی و بصیرت افزایی، به جان هم افتاده اند. عربستان دلارهای نفتی خود را بر سر مردم مظلوم یمن می ریزد و برای شکست حزب الله در لبنان هزینه های سنگینی را متقبل می شود. هزینه گروهک های تروریستی را که عالم اسلام را در شش سال گذشته به خاک و خون کشیدند، چه کسی تامین می کند؟ این دولت های به ظاهر مسلمان که بیشتر از این خود را امت اسلام بدانند، امت عرب معرفی می کنند، در چنین روزهایی، عربیت خود را فراموش کرده اند و به دشمن چراغ سبز نشان داده اند تا قدس که پایتخت پاره تن جهان اسلام و قبله اول مسلمین است، به عنوان پایتخت اسرائیل معرفی شود.

سخن پایانی

راز موفقیت و رسیدن به اهداف قرآنی جامعه اسلامی، در پیروی از خط و مشی وحدت گرایانه نظام مقدس جمهوری اسلامی نهفته است. و وحدت کلید این موفقیت است. این مسأله تا کنون بارها در سال های پس از انقلاب تجربه شده است. حکومت جمهوری اسلامی با اینکه حکومتی شیعی است اما بیشترین دفاع را از مظلومین اهل تسنن داشته است. به عنوان نمونه می توان گفت که حامی اصلی کشور فلسطین کسی جز جمهوری اسلامی نیست. وحدت دستوری الهی است که با پشتوانه عقلانی نیز قابل توجیه است و اگر مجموعه ای اعم از گروه ها یا کشورها، مشترکاتشان بیشتر بود، رسیدن به هدف در سایه وحدت برای ایشان ممکن تر خواهد بود.

والحمد لله ربّ العالمین

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بحار الانوار
- تفسیر نمونه
- میزان الحکمه
- اعلام الهدی
- صحیفه نور
- حدیث ولایت
- موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش
- شیخ مفید، الجمل، ص ۲۳۴؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۷؛ شیخ مفید، أمالی، ص ۱۵۵
- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۸ و بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۶۲
- مسائلی، مهدی، پیشوایان شیعه پیشگامان وحدت، مشهد، سپیده باوران، ۱۳۸۹